

# مشکلات کار

## شرکتهای تعاونی کشاورزی

در سالهای پس از ۱۳۴۱ با اجرای قوانین مترقی انقلاب ششم بهمین و دگرگونی سیستم «بزرگ زمین داری» نهضت و فعالیتی محسوس در امر تشکیل شرکتهای تعاونی ایجاد شد در حالیکه بموازات جنبش مزبور همواره این بحث انتقادی وجود داشته که هدفها و برنامه‌ها و آنچه در سازمانهای مرکزی تعاون تنظیم میشود بعلمت عدم هم‌آهنگی با واقعیات و نیازهای حقیقی جامعه روستائی بر پایه عدم تفاهم ها و اطلاعات غلط و گمراه کننده بنا شده است و از نظر تأثیر عملی وامهای پرداختی به افزایش بازده و باروری دهات کمترین کمک نکرده‌اند و وضعی پیش آمده که زارع بفعل و عمل هر روز محتاج و محتاجتر شده است . یک نظر کاملاً متفاوت دیگر اینستکه دهقانان ما از فعالیتهای تعاونی گریزان هستند . البته این بحث محدود به طبقه زارع نمیشود و فرضیه اینستکه مردم مملکت ما بطور اعم گریز از کارهای تعاونی دارند . بر همین مبنا و قبل از اینکه بحث مشکلات کار شرکتهای تعاونی مطرح شود لازم بتذکر است که اهمیت پیشرفت شرکتهای تعاونی در ایران با همه اشتباهاتی که مرتکب شده‌اند و نواقصی که دارند در آنچه بدست آورده‌اند نیست بلکه در نتیجه پیشرفتهائی است که در چنین شرایط محیطی و در برابر چنین طرز تفکراتی باید بدست آورد . روح همکاری و تعاون صرف نظر از جنبه های الزامی آن غیر از آنچه تصور میشود اختصاص بشرائط اجتماعی خاصی ندارد بلکه یک تمایل علمی و عقلانی است که بر احتیاجات مردم پایه گذاری شده و این تمایل در همه جا وجود دارد و شکل تکامل یافته تمدن جهانی است و بهمین جهت این ایراد که در تحت شرائط اقلیمی ایران روح تعاونی وجود ندارد صحیح نیست .

رشد و توسعه کشاورزی و صنعتی شدن کشاورزی بنحو شایسته اهمیت تعاونیهای روستائی را مشخص میکند . استفاده از تکنولوژی جدید در کشاورزی لزوم توجه باین نکته را که فعالیتهای تولیدی باید شکل تعاونی بخود بگیرد

فراهم میآورد. برای افزایش تولید و اقتصادی کردن فعالیتهای تولیدی در کشاورزی میبایست از وسائل تولیدی و منتهای جدید توزیع استفاده کرده تا قیمت تمام شده محصول بحد امکان تقلیل پیدا کند. داشتن وسائل مکانیکی تولید توسط فردزارع بهتنهایی امکان پذیر نیست و مشکلتر برای فردزارع اینستکه هم وسائل مکانیکی تولید را در اختیار داشته باشد و در همانحال با گروه بندیهای بزرگتر اقتصادی رقابت کند. از طرف دیگر شرایط نگاهداری محصولات، حمل و نقل، بازاریابی، نوسان قیمتها، رقابت و مخالفت عوامل واسطه و مؤسسات تجارتي، علل ناشی از تغییرات تکنولوژیکی از نظر تأثیر عملی ناظر بر اهمیت فعالیتهای تعاونی کشاورزی است.

بطور کلی شرکتهای تعاونی دارای مزایا و محاسن زیر میباشد.

۱ - آزادی و استقلال تولیدکننده و مصرفکننده تأمین است (با خرید

و فروش نقد)

۲ - اشیاء و اجناس مورد نظر و مورد اطمینان از مراکز اصلی تولید

تهیه و در اختیار مصرفکننده قرار میگیرد (چون نفع شخصی در بین نیست)

۳ - عمل پس انداز بهسولت و با سرعت انجام میشود (هر چیز خریده

شد نفعش بخود خریدار برمیگردد)

۴ - موانع و مشکلات معمولی و موجود بین تولیدکننده و مصرفکننده

از بین میرود.

۵ - زنان را بمسائل اجتماعی آشنا و سهیم میکنند.

۶ - به کشاورزان حق نوعی مالکیت تعاونی میدهد.

۷ - زارع را از راه تعلیمات اجتماعی بمسائل زندگی آشنا و تصورزارع

را در باره «ممکن» وسعت میبخشد.

۸ - در شرکتهای تعاونی برای شخص احترام قائلمند نه «سهام» و «سرمایه»

و انگیزه سودجویی صرف مطرح نیست.

۹ - موانع و محدودیتهای طبقاتی را از بین میبرد.

فعالیتهای تعاونی تمایلی است نیرومند برای اثبات ماهیت و واقعیت همکاری همه مردم بمنظور حفظ تمام و کمال منافع افراد که بخاطر هدفهای تعاونی کار می کنند. باید قبول کرد که رشد و توسعه نهضت تعاونی در هر اجتماع تابع یک رشته عواملی است و وجود زیربنای اجتماعی صحیح اهمیت خاص در

پیشرفت فعالیت‌های تعاونی دارد و اگر نهضت تعاونی در مملکت ما بسختی پیشرفت میکند این موضوع تصادفی نیست بلکه علت دارد. تاریخچه فعالیت‌های تعاونی در ایران کلاً به سال‌های اخیر محدود میشود و آمیزش و اختلاط اقدامات تقسیم‌اراضی با تشکیل سازمان تعاون روستائی نقطه اوج آن محسوب و این فعالیتها در این مدت بترتیب «خامی» مطرح بوده **گرچه نباید بحساب این «خامی» اصالت آن را نادیده گرفت.** وقتی عملیات اصلاحات ارضی شروع شد ضمن اجرای برنامه تقسیم اراضی بنظر رسید که باید سازمانی جای مالک را بگیرد و سرپرستی و هدایت دهات مشمول اصلاحات ارضی را متعهد شود و پیش بینی شده بود که شرکتهای تعاونی روستائی بتوانند این نقش را بعهده بگیرند. از اینرو تشکیل شرکتهای تعاونی از لحاظ «کمی» مطمح نظر قرار گرفت بدون توجه به نهادهای اقتصادی، اجتماعی و مختصات «بیواکولوژیکی» که آفریده محیط هستند و توجه باینکه سنن و عادات افراد که اولین خشت و مهمترین مصالح ساختمانی شرکتهای تعاونی بشمار میرود همه اینها در تعاونی شدن فعالیتها اثر میگذارد.

مسائل و مشکلاتی که شرکتهای تعاونی کشاورزی در شرایط حاضر با آن مواجهند یکی دو تا نیست برخی از این مشکلات پنهان و غیر مرئی است و قسمتی دیگر آفتابی و برملا شده و اثرات خود را ظاهر کرده اند. مشکلاتی است نظیر موانع و محدودیتهای «مالی و روانی» «ضعف مدیریت» «مشکل اعضاء» و مشکلات و مسائلی وجود دارد مثل «قرض» و «قرض بازی» انحراف از قواعد تعاونی و دخالت و نفوذ سیاست و نظائر آنها که موجودیت شرکتهای تعاونی را بخطر انداخته است.

انقلاب ارضی راهی است که پیموده شده و تأثیر انقلابی تحول ارضی را از تغییراتی که در جامعه روستائی ایران پدیدار و نتایج مهم اقتصادی که بیار آورده بخوبی میتوان سنجید.

ناتوانی شرکتهای تعاونی در تطبیق وضع خویش با این تغییرات و تحولات و فقدان رهبری توانا و الهام بخش که شرکتهای را در رفع موانع کار و پیدا کردن راه‌حلهای تازه یاری کند مهمترین مشکلی است که در شرایط حاضر سبب کندی رشد نهضت تعاونی شده است.

برای بررسی مسائل و مشکلات شرکتهای تعاونی کشاورزی مقدمتاً باید تحلیلی مختصر از تاریخچه تحول شرکتهای تعاونی و نحوه کار سازمانهای اصلی اعتبار دهنده کشاورزی بعمل آورد و بعد مشکلات را بررسی کرد.

### ۱- سازمانهای اصلی اعتبارات تعاونی

سازمانهای اصلی اعتبار دهنده که برای شرکتهای تعاونی کشاورزی از لحاظ اعتبارات تسهیلاتی ایجاد می کنند عبارتند از:

#### ۱- بانک کشاورزی

#### ۲- بانک عمران

#### ۳- سازمان تعاون روستائی

برای درک وضع کار مؤسسات اعتبارات تعاونی لازم بتوضیح است که این دستگاهها هر يك هدف معینی را تعقیب می کنند و نوع بخصوصی وام میدهند. بانک کشاورزی مبلغ پرداخت وامهای طویل و متوسط المده برای امور عمرانی است. بانک عمران تسهیلات اعتباری لازم جهت زارعین عضو شرکتهای تعاونی در املاک تقسیم شده سلطنتی فراهم میکند و سازمان مرکز تعاون روستائی ایران بشرکتهای تعاونی دردهات مشمول اصلاحات ارضی کمک مالی میدهد و اساس سرمایه و قسمت عمده اعتبارات این سازمانها از محل کمکها و سرمایه دولتی و وام سازمان برنامهاست. سیستم اعتبارات کشاورزی فاقد مکانیسم هدایت کننده ای نظیر «بانک مرکزی» است که هدفهای توزیع اعتبارات را بر مبنای صحیح منطبق با احتیاجات کشاورزی رهبری و متعادل کند و سازمانهای اصلی اعتبار دهنده در اتخاذ هر نوع تصمیم خود مختار بوده و نظارتی بر کار آنها وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد محدود به نظارت کلی است که جنبه ثانوی و کم اهمیت دارد. از طرف این دستگاههای وام دهنده بدون توجه به جنبه های تولیدی وام و مقرراتی که هرگز نمیتواند جوابگوی مشکلات گروه وام گیرنده باشد وام پرداخت میگردد. در پرداخت وام بخصوص اعتبارات توسعه تولید تضمینهای کافی و وجود اموال غیر منقول مورد نظر است و وام بر «طبق مقررات» پرداخت و اعتباری که در اختیار درخواست کنندگان گذارده میشود ابدأ تناسب با میزان تقاضا و احتیاجات آنها ندارد. بعلاوه برای انجام عمل ارزیابی که اساس اعطای وامهای طویل- المده و اعتبارات عمرانی است میزان و معیار پذیرفته شده ای بکار نمیرود. تعیین و نگهداری استاندارد برای ارزیابی یکی از وظایف مهم نظارتی بانکهای مرکزی اعتبارات کشاورزی است که همانطور که گفته شد چنین مکانیسمی با همه اهمیتی که خواهد داشت بجهت نامعلومی تاکنون بوجود نیامده در حالیکه وجود چنین سیستمی در جنب دستگاه نظارت کننده اولین و مهمترین جزء اعتبارات کشاورزی تشخیص و بعنوان «پایه» یا «زیر بنا» و «کاتالیست» فعل و انفعالات مؤثر اعتباری تلقی میشود.

مشکلی که برای دستگاههای اعتبار دهنده مطرح است از لحاظ خود دستگاهها مسأله محدودیت منابع مالی و اعتبارات محدودی است که برای پرداخت وام در اختیار دارند. مشکل دیگر به بدحسابی وام گیرندگان و برطرف ساختن هر گونه سوء ظن احتمالی در کار پرداخت وام مربوط میشود که برای ایجاد اطمینان تاواریز وامی صد درصد تأمین نباشد اقدام بپرداخت قرضه نمیکردد. مشکلات و محدودیتهای مالی بجای خود ولی علیرغم همه این محدودیتهای باید اذعان کرد که در سنوات اخیر بیشترین اعتبار از محل اعتبارات عمرانی سازمان برنامه در اختیار دستگاههای اعتبار دهنده گذاشته شده است که بنظر این ارقام بمقدار زیاد قابل ملاحظه میباشد.

از بین بانکهای اعتبارات کشاورزی برای بانک کشاورزی در برنامه عمرانی سوم ۳۷۸۰ میلیارد ریال اعتبار جهت تقویت بنیه مالی کشاورزان و تشویق آنان بسرمايه گذاري در امور توليدي منظور شده که کل مبلغ پرداختی تا پایان سه ماهه اول سال ۱۳۴۵ حدود ۳۵۲۰ میلیارد ریال است و برای حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق ۳۰۰ میلیون ریال، جهت تربیت عاملین و مکانیزه کردن حساب بانک ۱۶ میلیون وام به بنگاه شیمیائی بمنظور خرید و توزیع کود دردهات ۴۰۰ میلیون و ۴۰ میلیون بمنظور شرکت در سرمایه شرکت دامپروری ال آباد از اعتبارات مصوب عمرانی پرداخت شده است و این اعتبارات علاوه بر ۵۰ میلیون ریال وامی است که برای تشکیل شرکتهای تعاونی در اختیار بانک عمران گذاشته شده و مبلغ ۴۴۸ میلیون ریال کل اعتبار مصوب عمرانی برای سازمان مرکزی تعاونی روستائی است. تخصیص ۵۱۳۴ میلیون ریال اعتبار مصوب عمرانی در طول برنامه عمرانی سوم به سازمانهای اعتباری کشاورزی در شرایطی که کشور ما برای پیشرفت سریع و قاطع خود بسرمايه گذاري وسیع و هدایت شونده در همه رشتههای تولیدی محتاجست معیار مطمئنی برای اثبات این واقعیت است که دولت از لحاظ تأمین و پرداخت اعتبار بدستگاههای اعتبار دهند کشاورزی تا آنجده که ممکن بوده کوتاهی نکرده حال اگر قسمتی از وامها بدون توجه باندازه یا شکل بمصرف امور غیر تولیدی رسیده و منشاء اثر نگردیده به بسیاری از عوامل و مهمتر از همه بنا توانی وضعف کادر رهبری در ارزیابی و تطبیق هدفها بانياز های خاص جامعه متحول روستائی مربوط میشود. در هر سیستم اعتباری کشاورزی همواره انواع مشکلات وجود دارد ولی وجود يك رهبری قوی و الهام بخش بدلیل اهمیتی که در پیشبرد و برنامه ریزی و تعیین سیاستهای اعتباری دارد میتواند قسمتی از مشکلات را حل و تحول و تغییر در بیشتر زمینهها پدید آورد.

## ۲- شرکت‌های تعاونی کشاورزی

اقدامات دسته جمعی و همکاری بین روستائیان از قدیم‌الایام در کشور ما بصورت عادات و سنن محلی صورت می‌گرفته است ولی این همکاریها بصورت متشکل و ثبات و مداوم وجود نداشته و غالباً بطور موقت و گذرا بوده‌اند.

در زمان اعلیحضرت فقیه با استفاده از مقررات قانون بازرگانی اقدامات مقدماتی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی در املاک خالصه گرمسار و بنادر جنوب صورت گرفت و چند شرکت تعاونی نیز تشکیل گردید ولی بعلمت نبودن تجربه کافی و عدم آشنائی تشکیل دهندگان و اداره کنندگان آن با اصول و فلسفه تعاون و طرز اداره شرکت‌های تشکیل شده یکی بعد از دیگری از بین رفت. در سالهای بعد از ۱۳۲۰ بموازات سایر اقدامات واجتماعی که در تمام شئون مملکت پدید آمد بررسیهای مقدماتی نیز برای تشکیل شرکت‌های تعاونی صورت گرفت و در مراکز پاره‌ای از شهرها به تشکیل صندوقهای روستائی که مؤسسات اعتباری شبیه تعاونی بودند مبادرت گردید.

بطور کلی دوره فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی کشاورزی در ایندوه به سه بخش کاملاً مجزایمیتوان تقسیم کرد.

۱- از نظر قانونی فعالیت اقتصادی تعاونی در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ پیش بینی شده و شرکت تعاونی تولید و مصرف بعنوان یکی از انواع شرکت‌های هفت گانه تجارتهی نامبرده شده است. در قانون مذکور در مورد تشکیل دهندگان شرکت تعاونی عبارت «از باب حرف و شراک» ذکر گردیده و در ماده ۱۹۳ همان قانون اشاره بامکان تشکیل شرکت تعاونی بر مبنای سهام و اصول شرکت‌های سهامی شده است که در واقع نشانه توجه قانونگذار به جنبه‌های اقتصادی تعاون است. لایحه قانونی شرکت‌های تعاونی و قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۳۴ که بموجب قانون الغاء لوایح مصوبه دکتر مصدق بتصویب مجلسین رسید قسمتی از اصولی را که قبلاً تشریح گردید و از جمله به اصل یک عضو یک رأی حقوق مساوی اعضاء و تشکیل اتحادیه شرکت‌های تعاونی قوت قانونی داده. شرکت‌های تعاونی روستائی بر مبنای مزبور در ایران بوجود آمد و اقداماتی که برای تفهیم قواعد تعاونی در دهات بعداً صورت گرفت و در حقیقت مشخص یک دوره تبلیغاتی تعلیماتی مقدماتی است و زمینه را برای اجرای برنامه‌های وسیع‌تر بعدی آماده نمود و سبیل قسمت تعاونی اصل چهارم و بعد در الحاق سازمانهای اداره اصل چهارم اجرای این برنامه بمهده بنگاه عمران و گذار گردید و بتدریج که کار شرکت‌های

تعاونی روستائی توسعه میافت اداره تعاونی قسمت اقتصاد وزارت کشاورزی ، سازمان تعلیمات تعاونی بنگاه عمران وزارت کشور ، اداره شرکتهای تعاونی سازمان برنامه و اداره شرکتهای تعاونی بانک کشاورزی و بانک عمران عملاعهده دار هدایت و رهبری فعالیتهای تعاونی روستائی گردیدند با ننگ عمران که مسئول سرپرستی و کمک به خرده مالکان املاک تقسیم شده سلطنتی بود برای اینکه واحد مدیریت بدست کشاورزان و بارعایت اصول دمکراسی در سطح ده بوجود آید تا اداره امور مربوط به کشاورزان رابعهده گرفته و عامل اجرای برنامههای بهبود امور اجتماعی و اقتصادی در این دهات گردد در قسمتی از ۵۱۷ قریه از املاک سلطنتی که بین ۳۰۳ تا ۴۲۲ خانوار کشاورز تقسیم شده بود به تشکیل شرکتهای تعاونی اقدام نمود . کمکهای اعتباری بانک در دو مرحله و بدوشکل انجام میشد. در مرحله اول سعی بر این بود که کمکهای بزرگین بشود تا آنها از پیش فروش محصولات خود به قیمتهای نازل به سلف خررها یا اخذ وام با بهره های سنگین و همچنین معامله با عوامل واسطه ، پیلورها ، بارفروشها و کسبه ده بی نیاز گردند . در مرحله بعد با اعطاء اعتبارات تولیدی به کشاورزان نسبت بتوسعه فعالیتهای تولیدی و افزایش سطح کشت و میزان محصول اقدام گردد .

هما نظور که بانک عمران پیش آهنگ اجرای برنامه اصلاحات ارضی تشخیص و برنامه تقسیم املاک سلطنتی بمفهوم بسیار وسیع اولین عامل اجرای قانون اصلاحات ارضی میباشد بهمان نسبت نقش بانک عمران موجب تحول و تطور فعالیتهای تعاونی در دهات گردید و نقش چنین فعالیتهای که اهمیت خاص در رشد نهضت تعاونی دارد باید بعنوان نقطه آغاز جریان تولد تعاونی تشخیص گردد. بدین ترتیب تلاش برای پیشرفت فعالیتهای تعاونی تا قبل از سال ۱۳۴۱ و اجرای قانون اصلاحات ارضی بنحوی آرام و مطمئن ادامه داشت بدون اینکه از شوری کافی برخوردار باشد . در این مدت کمتر از ۹۲۵ شرکتهای پایه و یا واحدهای اولیه که همان شرکتهای تعاونی روستائی در سطح ده است با ۱۷۲ هزار نفر عضو تقریبی بوجود آمد و بلاشک نقش و اثر بانک عمران در این مرحله و اقداماتی که در املاک تقسیم شده سلطنتی از طرف بانک انجام شد می بایست بعنوان نقطه عطف و آغاز فعالیتهای مرحله بعد که بان مرحله دوم عنوان و با عملیات تقسیم اراضی و تشکیل اتحادیه شرکتهای تعاونی روستائی پیش آهنگ مراغه همراه است محسوب داشت .

پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی چون یکی از شروط اعطاء زمین

قبول عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی بود همین الزامی بودن مسأله عضویت برای استفاده از مزایای قاتون ناگزیر فعالیت‌های نهضت تعاون روستایی را وارد مرحله خاصی از تکامل خود کرد بترتیبی که تعداد این شرکتها در عرض مدتی کوتاه از ۹۴۹ و کمتر به ۴۰۴۲ شرکت با ۴۵۰ هزار عضو افزایش یافت و در یک فاصله دو سال بین ۱۳۴۱-۴۳ تعداد ۳۰۹۳ شرکت با ۲۷۸ هزار عضو بر تعداد قبلی افزوده گردید. باین ترتیب چنانچه می بینیم کشیدن خط فاصلی بین مرحله اول و دوم و تجزیه ایندو از یکدیگر و تقسیم آنها بدو دوره مجزاگان مشکلی نیست زیرا در یک دوره ده ساله که بعنوان « زیر بنا » تلقی میگردد فقط ۹۴۹ شرکت تشکیل شده در حالیکه در دو سال بعد که مرحله اول عملیات تقسیم اراضی شروع شد با همه مشکلات ناشی از عملیات اجرائی اصلاحات ارضی بیش از ۳۰۹۳ شرکت بوجود میآید. ضمناً در همین دوره در سال ۱۳۴۲ وظایف سرپرستی شرکت‌های تعاونی که در اختیار بانک اعتبارات کشاورزی بود از بانک مجزا و بموجب ماده ۲۳ آئین نامه قانون الحاقی سازمان اصلاحات ارضی مصوب کمیسیون خاص مجلسین بر عهده سازمان مرکزی تعاون روستایی محول گردید و سازمان مرکزی تعاون روستایی در مرداد ماه سال ۱۳۴۱ با سرمایه ۱۰۰۰ میلیون ریال بوجود آمد. در این مرحله هدف گسترش شبکه تعاونی در روستاها از لحاظ کمی بود و اجرای قانون اصلاحات ارضی « کاتالیزر » فعل و انفعالات محسوب میشد و مشخص توسعه شبکه تعاونی و سرعت تشکیل شرکتها تابلوهائی بود که در تمام جاده‌های اصلی بدون استثناء بفاصله هر چند کیلومتر و در نقاط چشم گیر بترتیبی که جلب توجه کند نصب شده بود. این شرکتها بدون اینکه هدف خاصی از تشکیل آنها تعقیب گردد و با برخورداری از حداقل امکانات اعتباری و بدون اینکه بموجبات اقتصادی و قواعد و روشهائی که منطبق با آن یک شرکت تعاونی خواهد توانست در آن رشد کند فکر شود تأسیس میشد. در هر صورت تجهیز سرمایه و نیرو برای تشکیل هر چه بیشتر شرکت‌های تعاونی در دهات از مشخصات ایندوره محسوب میشود.

در مرحله سوم که دوره فعلی است و علی‌الاصول با اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی و تغییراتی که در کادر مدیریت سازمان تعاونی روستایی پدید آمد مربوط میشود پیشرفت نهضت با موانع و مشکلاتی مواجه شده که طبقاً مجزا از مشکلاتی نیست که ذکر شد و مربوط بطرز کار و اقداماتی است



که در گذشته و در مرحله دوم انجام شده است .

برخی از این مشکلات عبارتند از :

۱ - مشخص نبودن هدفهای . فقد برنامه و سیاست اعتباری صحیح و

هدایت شونده . ضعف مدیریت .

۲ - انجام خدمات غیر ارشادی بعلت نداشتن کادر رهبری قوی الهام

بخش . دخالت و نفوذ سیاست در اختیار .

۳ - ضررهای اجتناب ناپذیر که از تضاد و رقابتهای بین سازمان تعاون

روستائی و بانک اعتبارات کشاورزی در پرداخت وامهای غیر تولیدی نتیجه

گردیده است . در حالیکه در دادن وام به کشاورزان برخی از اصول اساسی

زیر باید در نظر گرفته شود .

(الف) کشاورز باید فقط بمنظور تولید وام بگیرد .

(ب) مبلغ وام نباید بیش از میزانی باشد که وام گیرنده بتواند از

درآمد خود آنرا کار سازی دارد .

(ج) کشاورز باید وام را باشرایطی دریافت کند که یا احتیاجات تولیدی

موافق و مناسب باشد .

(د) باید وام گیرنده را تشویق کرد که تمامی مبلغ مورد نیاز خود را

از يك وام دهنده بگیرد و بچند بانک مقروض نباشد یعنی عملی که در اغلب از

دهات پیش آمده و يك زارع بچند مؤسسه بدهکار است .

۴ - تأثیر نامتناسب توزیع اعتبارات در بعضی از نقاط ، بخصوص بعلت

آنکه با نظارت مؤثر بمنظور اطمینان از نحوه مصرف صحیح همراه نبوده است .

۵ - عدم تنظیم برنامه کشاورزی مناسب برای وام گیرنده و نظارت در

اجرای آن برای اطمینان از نحوه مصرف و جلوگیری از خطر شکست .

۶ - تمایلات منفعت طلبی ، انحرافات فردی یا گروهی برای فرار از

پرداخت تعهدات ، پرتوقعی وام گیرندگان و ایجاد بی نظمی در محیط زندگی

اقتصادی کشاورزان که از پرداخت بیرویه وامها ، از خرج بیرویه برای خرید

اشیاء غیر ضروری و مسافرت و زیارت ناشی شده است . افزایش دیون کشاورزان

بدون اینکه تحولی در مجموع دارائی آنها پدید آید .

۷ - لزوم قطعی افزایش اعتبارات و ایجاد وضعیتی مناسب برای

کشاورزان غیر عضو که نسبت به تشکیل شرکتهای تعاونی برای آنها اقدام نشده

است. تاکنون زارعینی که دردهات مشمول قانون اصلاحات ارضی بوده اند اغلب از تسهیلات اعتباری شرکت‌های تعاونی بهره‌مند گردیده‌اند درحالی‌که در توزیع اعتبارات سهمی برای باقیمانده کشاورزان قائل نشده‌اند و تأثیر واقعی این تضاد و اختلاف بیش از آنچه تصور می‌رود مهم است.

بی‌شک مشکلاتی که اینطرز کار در مراحل بعدی توسعه نهضت تعاونی ایجاد میکند و اثراتی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم بر رشد کشاورزی و تحقق هدفهای مترقی اصلاحات ارضی خواهد گذاشت مادام که هدف اعطای اعتبارات مشخص نیست میتواند در جلوگیری از پیشرفت اقتصاد تعاونی مؤثر افتد و سرنوشت طبقات متعاون عضو شرکت‌های تعاونی را تحت تأثیر گیرد.

همانطور که گفتیم انقلاب ارضی راهی است که پیموده شده و تأثیر انقلابی تحول ارضی را از تغییراتی که در طرز تولید، تغییر اقتصاد جنسی با اقتصاد نیمه ارتزاقی، اقتصاد نقدی و تولید تعاونی بوقوع پیوسته میتوان سنجید و ناتوانی شرکت‌های تعاونی در تطبیق وضع خویش با این تغییرات و تحولات مهمترین مشکلی است که در شرایط حاضر و بال‌کندی رشد کشاورزی شده است، انقلابی عظیم با آغاز انقلاب ششم بهمن بوقوع پیوسته و اثرات انقلاب در کشاورزی بیش از هر زمینه فعالیت اجتماعی دیگر قویتر و محسوستر است. تردید نیست در عصر انقلاب باید انقلابی فکر کرد و انقلابی کار کرد.

**«مس مس کردن» و «نق نق زدن»** بگفته دوست دانشمند دکتر حریری کمکی به پیشرفت انقلاب نمیکند و انقلابی پیشرفت میکند که از اقتدار و اوصالت، سرعت و قاطعیت کافی برخوردار باشد یعنی همان اصلی که در مقاله اساسی شماره پیش مسائل ایران در مقاله ارزنده دکتر منوچهر قاطع تحت عنوان **«جوانان و انقلاب»** بآن تکیه شده و این مشکل در همه زمینه‌ها و بالطبع در مورد شرکت‌های تعاونی مصداق دارد. فعالیتهای تعاونی در ایران در عین حال که با مطمئن‌ترین سلاح ایدئولوژیک مسلح هستند باید اذعان کرد در وراء مشکلات دیگر فاقد توانائی و روحیه و طرز تفکر انقلابی برای اجرای طرحهای بزرگ انقلاب ارضی هستند و نتوانسته‌اند بتناسب موضع و موقع نقش و سهم خود را در راه رشد و توسعه اقتصاد مملکت ایفاء کنند. در یک مرحله تأثیر «کمی» فعالیتهای باسبب پذیری نهضت کمک کرده و در مرحله فعلی از گزند **«محافظه‌کاری»** «بیهدفی» «بی‌تصمیمی» که مفایر رشد سالم جامعه منحول روستائی است مصون و برکنار نیست.